

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۷۰

جمعه ۹ خرداد ۱۳۹۹، ۲۹ مه ۲۰۲۰

سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در پلنوم ۵۱
دور دیگری از برآمد توده ای برای
سرنگونی جمهوری اسلامی در راه است



امیدوارم که بتوانیم در طی صحبتها و بحثهای پلنوم به جنبه‌های دیگر هم بپردازیم.

نفس اینکه این پلنوم را به صورت اینترنتی و آنلاین برگزار میکنیم ناشی از شرایط کاملا استثنائی ای است که تقریباً تمام دنیا را در بر گرفته است. تجمعات، کار و تولید، مدارس، دانشگاهها، همه اینها به خاطر بحرانی که به آن بحران اپیدمی یا پاندمی کرونا میگویند تعطیل است، بحرانی که سایه سیاه خود را بر همه دنیا انداخته و زندگی اجتماعی را کاملاً مختل و در خیلی جاها متوقف کرده است. تولید را متوقف کرده است، تجمعات فرهنگی و ادامه در صفحه ۲

طبق روال همیشگی ما در پلنومها، در سخنرانی افتتاحیه نگاهی میان‌دازیم و یک بررسی اجمالی میکنیم از تحولاتی که در ماههای گذشته در فاصله بین دو پلنوم اتفاق افتاده است. این تحولات در این دوره بسیار گسترده و بسیار تعیین کننده بود، چه در سطح ایران، که در این پلنوم باید مشخصاً به آن پرداخت و اسناد پلنوم در این رابطه است، و چه در سطح بین المللی در رابطه با مسئله اشاعه ویروس کرونا. من الآن فرصت کافی ندارم که به طور مفصل به همه اینها بپردازم ولی سعی میکنم که لاقلاً نکات اصلی و رؤوس مهم بحث را در اینجا مطرح کنم.

پیام مینا احدی درباره کمپین "بوسه جرم نیست"

صفحه ۳

بوسه جرم است! قتل ناموسی جرم نیست!

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

کمپین "بوسه جرم نیست" و چپ بورژوائی

حمید تقوایی

صفحه ۴

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۵

قطعه‌نامه درباره بحران کرونا و شرایط سیاسی در ایران

صفحه ۷

تکرار مکرر در سیاست پارلمان

مراد مکوندی

صفحه ۸

اطلاعیه ها

صفحات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

تلخیصی از اطلاعیه لغو احکام صادره برای برخی از کارگران هفت

تپه و بازداشت شدگان اول مه

اعتراضات کارگری علیه نپرداختن دستمزدها،

قراردادهای موقت و اخراجها

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

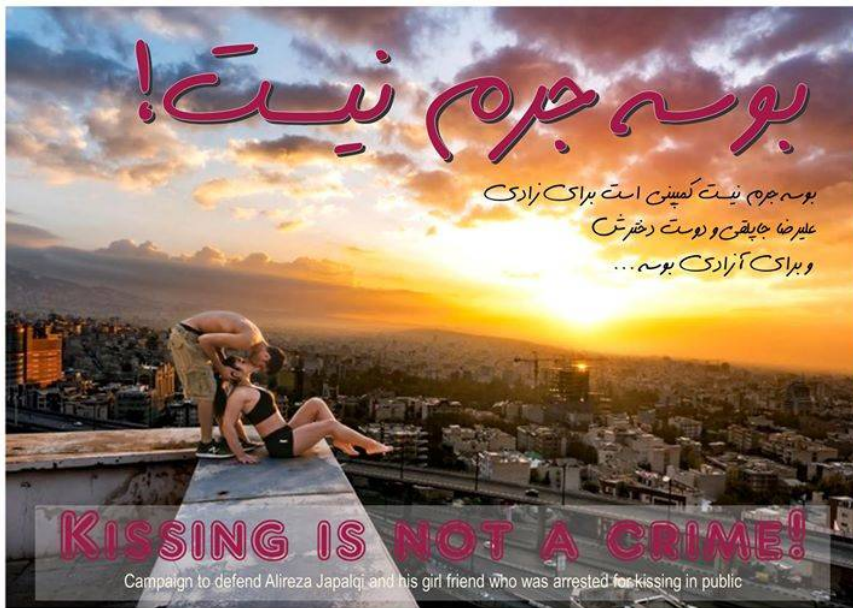
سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در پلنوم ۵۱ دور دیگری از برآمد توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی در راه است

ورزشی ممنوع شده‌اند، مدارس و مراکز آموزشی تعطیل شده‌اند، همچنین هر نوع گردهمایی، حتی گردهمایی‌های فامیلی و خانوادگی و جشنها و مهمانیها و غیره. گرچه این شرایط دارد تغییر میکند و دولت‌ها در تلاش اند که دوباره کار و تولید براه بیفتد ولی هیچ کس مطمئن نیست که دور دومی شروع نشود و دوباره کشتار گسترده‌ای در دنیا شکل نگیرد — که به احتمال زیاد این اتفاق خواهد افتاد. کارشناسان و صاحبان نظران میگویند که موج دومی در پیش است. بحران کرونا به عنوان یک بیماری، به عنوان یک امر پزشکی و مربوط به سلامتی انسانها، ناشی از ویروس است ولی به عنوان یک بحران اجتماعی، سیاسی، اقتصادی که همه دنیا را فراگرفته، این دیگر مستقیماً برمیگردد به نظام سرمایه‌داری مسلط بر دنیا و مناسباتی که از یک طرف سلامتی و بهداشت و درمان را تبدیل به کسب و کار کرده و از طرف دیگر، برای جلوگیری از یک بیماری قابل پیشگیری هیچ اقدامی نکرده است چون امر سودآوری نیست. سرمایه‌ها در پیشگیری از بیماریها سودی ندارند و دنبال تحقیقات هم نمیروند بلکه اشاعه بیماریها و روند درمان و فروش دارو و غیره برایشان سودآور است. این بحران یک بحران عمیق نظام سرمایه‌داری است که همه جا

مانند تشکیل کمیته‌های کنترل محلات، مانند طرف شدن با جمهوری اسلامی بعنوان یک دشمن غدار به نحوی که حتی نگذاشتند که حکومت مجروحین را به بیمارستانها ببرد چون میدانستند که آنها بالاخره سر از زندانها درمیآورند و مردم خانه‌هایشان را به محل پرستاری از مجروحین درگیری آبان ماه تبدیل کردند. درگیری آبان لاقلاً ۱۵۰۰ کشته به جا گذاشت و دستگیریهای بسیار گسترده و فجایی مانند پیدا شدن اجساد در رودخانه‌ها و غیره و این یک نقطه عطف بود. از یک طرف حکومت اعلام کرد که به سر مردم شلیک میکنم و مردم را دشمن نامید و از طرف دیگر مردم با کل حکومت به عنوان دشمن رودررو شدند. با همه جناحهایش و دستگاههای سرکوبش درافتادند و در شهرهایی وارد درگیری خیابانی و کوچه به کوچه و در محله‌هایی وارد درگیری مسلحانه شدند. در بیش از ۱۵۰ شهر این اتفاق افتاد. بعد از آن دی ماه را داشتیم که از نظر شعارها بسیار کوبنده و بسیار رادیکال بود. شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" را در سال ۸۸ نداشتیم، در سال ۹۶ نداشتیم ولی در ۹۸ شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" همه‌گیر شد، شعار علیه سپاه پاسداران همه‌گیر شد، شعار علیه خامنه‌ای به عنوان قاتل، شعار علیه سلیمانی که آنقدر عزیزش کردند و بزرگش کردند به خیابانها آمد، شعار علیه سپاه پاسداران و علیه خامنه‌ای و علیه کل جناحهای حکومت به خیابانها آمد. از این نقطه نظر هم در جنبش سرنگونی تحول

تازه‌ای صورت گرفت. به این معنا، بحران کرونا بر متن یک بحران عمیق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جمهوری اسلامی شکل گرفت و در این بحران فاکتور مردم و مبارزات توده‌ای کاملاً تعیین کننده بود. بحران کرونا از نظر شکل مبارزه معلوم است که مردم را محدود کرد. بالاخره امکان تظاهرات و تجمعات و مارش خیابانی و غیره نبود. ولی از یک طرف رژیم را رسواتر کرد. آن تصویری که رژیم از خودش در آبان ماه و دی ماه به عنوان حکومت جانی و قاتل مردم داده بود در طی بحران کرونا بیشتر و بیشتر جلوی چشم مردم قرار گرفت و نفرت عمومی از رژیم را در جامعه بیشتر کرد. از طرف دیگر تلاشهای مستقل مردم با ارگانهای خودیاری، کمیته‌های محلی، که حتی در جاهایی این را شوراهای محلی نامیدند، در ادامه همان سنت کمیته‌های کنترل محلات در آبان ماه شکل گرفت. این بار مردم برای مقابله با کرونا به میدان آمدند. متوجه شدند که از جمهوری اسلامی آبی گرم نمیشود و به کمکشان نخواهد آمد. در حمایت از پرستاران و پزشکان، خود پزشکان و پرستاران، و در محلات مردم محله در شهرهای مختلف، آستین بالا زدند و کمیته‌های خودیاری و کمک رسانی درست کردند و به این ترتیب جامعه یک بار دیگر در دل بحران کرونا بلند شد، هم برای مقابله با این اپیدمی و هم برای مقابله با حکومتی که نه تنها در مقابله با اپیدمی هیچ کمکی به آنها نمیکرد بلکه خودش عامل شیوع ویروس کرونا در ایران بود. به این ترتیب، دوره بحران کرونا نیز به فاز جدیدی از اعتراض و خیزش مردم تبدیل شد.

هیچ حکومتی در دنیا نیست که از یک طرف دروغ تحویل جامعه بدهد و از طرف دیگر مردم را برای اینکه در مورد کرونا اطلاع رسانی میکنند تحت تعقیب قرار دهد. حداقل و به گفته خودشان ۳۶۰۰ نفر را به این خاطر دستگیر کرده‌اند. شما این را در هیچ جای دیگری نمیبینید. حتی در دیکتاتورزده ترین کشورها ممکن است که حکومتها آمار واقعی را نگویند و تحریف کنند ولی دیگر چند هزار نفر را بجرم گفتن حقایق دستگیر نمیکنند! جمهوری اسلامی یک چنین حکومتی است. اعدامها را دارد در دل بحران کرونا ادامه میدهد. دستگیری فعالین کارگری و جنبشهای دیگر را دارد ادامه میدهد. همانطور که گفتیم جنگی شروع شده است. خیزش توده‌ای در آبان ماه و دی ماه نقطه عطفی بود که اعلام کرد یک جنگ آتشی‌ناپذیر و تمام و کمال بین توده مردم، نود و نه درصدیهای جامعه، کارگر و زن و جوان و بخشهای مختلف جامعه، با یک مشت مفتخور میلیاردر جانی که در قدرت نشسته است در جریان است. این تصویری است که جامعه از وضعیت امروز دارد و تصویری است که حتی خود حکومت از وضعیت امروز دارد. مردم را دشمن، به عامل خارجی، ضد امنیت، شایعه پراکن خطاب میکند و میگیرد و میندند و زندانی میکنند و مردم هم به حکومت میگویند حکومت قاتل، میگویند "نابود باید گردد". تمام به اصطلاح دارودسته‌ها و تمام جناحهای حکومتی دیگر برای مردم به عنوان دشمن شناخته میشوند و این ادامه در صفحه ۸



در کشورهای مختلف و همچنین جوانان در ایران، به این کمپین پیوندید و کاری کنید تا یک تو دهنی محکم به جمهوری اسلامی ایران بزنید، بوسه جرم نیست.*

است به این معنا دفاع از جان و امنیت این دونفر در عین حال دفاع از آزادی بیان، آزادی بوسه و آزادی زندگی کردن در ایران بسیار مهم است.

ما به مردم در سراسر دنیا فراخوان می دهیم، به جوانان

جمهوری اسلامی ایران باید نشان دهیم که الان دیگر نمی تواند به بهانه های مختلف گروهان بگیرد، صدای جوانان را خفه کند و دو جوان را به جرم بوسیدن دستگیر نماید. ما می دانیم که در زندان های جمهوری اسلامی چه خبر

پیام مینا احدی درباره کمپین "بوسه جرم نیست"



بوسیدن جرم نیست، این کمپینی است که امروز اعلام می کنیم بخاطر اینکه سه روز پیش در تاریخ 18 ماه مه برابر با 28 اردیبهشت، جمهوری اسلامی ایران علیرضا چاپلقی را بخاطر اینکه در مدیای اجتماعی و اینستاگرام ویدئویی پخش کرد که در آن دوست دخترش را دارد می بوسد دستگیر کرده اند. متأسفانه باخبر شدیم که دوست دختر وی را نیز دستگیر کرده اند. این، عکس العمل بسیار سریع و گسترده ما را می طلبد. باید کاری کنیم که هر چه زودتر این دو نفر را آزاد کنند و از طریق این کمپینی که اعلام می کنیم مردم در سراسر دنیا و همچنین مردم ایران را دعوت می کنیم عکس و ویدئو کلیپ های خود را علنی کنند در حالیکه همدیگر را دارند می بوسند. بوسه نباید جرم باشد و ما به

بوسیدن جرم نیست، این کمپینی است که امروز اعلام می کنیم بخاطر اینکه سه روز پیش در تاریخ 18 ماه مه برابر با 28 اردیبهشت، جمهوری اسلامی ایران علیرضا چاپلقی را بخاطر اینکه در مدیای اجتماعی و اینستاگرام ویدئویی پخش کرد که در آن دوست دخترش را دارد می بوسد دستگیر کرده اند. متأسفانه باخبر شدیم که دوست دختر وی را نیز



جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی اسلامی حاکم بر جامعه در کنار مردسالاری، کودک ستیزی، غیرت و ناموس، لبخند شادی را بر لبان رومینای عزیز برای همیشه خشکاند!

نابود باد جمهوری اسلامی، رژیم ترور و مرگ!

هستیم. امیدوارم بتوانیم با انقلاب مردمی هرچه زودتر به این سیستم توحش و عقب ماندگی پایان دهیم و جامعه ای را پایه ریزی کنیم که در آن بوسه و عشق و انسانیت آزاد باشد و اسلام و سنتهای کپک زده مذهبی و ارتجاعی نتوانند جان انسانها را بگیرند. با سرنگونی حکومت اسلامی است که میتوانیم از زندگی همه رومیناها دفاع کنیم و اجازه ندهیم که وحوش تاریخ زندگی انسانها را بگیرند.*

رومینای بی دفاع را وحشیانه به قتل رسانده است. از نظر اسلام و جمهوری اسلامی قتل دختران توسط پدرانشان جرم نیست اما بوسیدن دختر و پسر جرم است. این توحش عهد عتیقی را باید هرچه زودتر از صحنه جهان جارو کرد و به زباله دان انداخت. بشدت غمگین و متأسفم از مرگ فجیع رومینا اشرفی. متأسفانه اول بار نیست که شاهد قتل کودکان و دختران و پسران جوان و بی پناه با اتکا به سنت اسلامی و مذهبی

اشرفی است. این خمینی و حوزه علمیه و اسلام و عقب ماندگی اسلامی است که رومینای کوچک را با داس به قتل رسانده است. طی چهل سال گذشته هزاران و صدها هزار نفر قربانی مذهب و اسلام شده اند. ما مردم اگر گناهی داشته باشیم اینست که نتوانستیم از رومینای نوجوان که سیزده سال بیشتر نداشت و در واقع یک کودک بود، دفاع کنیم. نتوانستیم او را از دست جنایت و قتل رها کنیم. هم اکنون در اخبار مربوط به قتل رومینا گفته میشود که بنا به قوانین جمهوری اسلامی اگر پدری دخترش را به قتل برساند و بویژه اگر این قتل دلیل ناموسی داشته باشد، او محکوم نخواهد شد. دقت کنید! بوسه علیرضا جاپلقی جرم است اما قتل رومینا جرم نیست! این سنت و این قانون وحشیانه و کثیف است که

بوسه جرم است! قتل ناموسی جرم نیست! کاظم نیکخواه



و ارتجاعی مذهبی در جامعه طی سالها و قرنها، نه فقط یک مشت موجودات آدمکش نظیر خمینی و امثال داعش و غیره را پرورش میدهد که بوسه را جرم اعلام میکنند، بلکه انسانهایی را از عقل و منطق انسانی آچنان دور میکند که فرزندان و دختران خود را بخاطر حفظ آبرو و ناموس، به قتل میرسانند؟ این جمهوری اسلامی و ارتجاع اسلامی است که عامل قتل رومینا

این روزها دو خبر توجه بسیاری را به خود جلب کرد. یکی قتل فجیع یک دختر بچه بنام رومینا اشرفی توسط پدرش به دلیل دوست داشتن یک پسر، و دیگری دستگیری یک جوان بنام علیرضا جاپلقی توسط جمهوری اسلامی به دلیل بوسیدن دوست دخترش. آیا مشکل است که ارتباط تنگاتنگ این دو را بفهمیم؟ آیا روشن نیست که یک تازی سنتهای عقب مانده

کمپین "بوسه جرم نیست" و چپ بورژوائی حمید تقوایی



مسائل "غیر کارگری" را. یک موضع است در دو بسته بندی.

این تنزل دادن طبقه کارگر به صنف در دو وجه خود را نشان میدهد:

۱- جنبه اول اینکه کارگر گویا فقط در کارخانه و در تولید حضور دارد و بس. نه از حجاب و آپارتاید جنسی و ستمکشی زن در رنج است و نه از سنگسار و قوانین قصاص و نه از بیحقوقی های سیاسی و اجتماعی و نه از ستم به اقلیتهای منسوب به ملیتها و مذاهب مختلف و نه از بی حقوقی کودک و نه از تخریب محیط زیست و نه از تبعیض علیه همجنسگرایان و رنگین کمانی ها و نه اصولا از هیچ مساله ای که مستقیما به تولید و استثمار مربوط نباشد. گوئی مصائب گریبانگیر جامعه به کارگر ربطی ندارد. ظاهرا کارگر نه زن است و نه فرزندانش به مدرسه میروند و نه همجنسگرا است و نه بعنوان بهائی و سنی و افغانستانی تحت ستم است و نه اصلا خارج از کارخانه و بعنوان یک شهروند درد و رنج و مساله ای دارد. در این دیدگاه کارگر وجود و حضور و هویت اجتماعی ندارد بلکه صنف تولید کننده است، برده مزدی است که میباید حداکثر برای افزایش دستمزد و حق تشکل و دیگر خواستها صنفی اش مبارزه کند و بس! بقیه مسائل یا اصلا به او مربوط نیست و یا فرعی و حاشیه ای است، باندازه مسائل صنفی اهمیت ندارد، و اگر در جامعه و در افکار عمومی مطرح شد حتما توطئه ای در کار است

که مسائل مهم کارگری را تحت الشعاع قرار بدهند! در این دیدگاه کارگر بعنوان شهروند، کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی، کارگر بعنوان یک مدعی سیاسی کلا غایب است. عینا همان درک و تلقی ای که بورژوازی از کارگر دارد.

تنها در این کمپین علیه ممنوعیت بوسه نیست که ما این چپ بورژوائی را در مقابل خود می بینیم. با همین نوع توجیهاات با کمپین علیه سنگسار هم مخالف بودند. مخالفین کمپین بوسه جرم نیست همانها هستند که کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی از سنگسار را، کمپین موفق که بین المللی شد و به لغو حکم سنگسار سکینه و کنار گذاشتن عملی سنگسار در ایران منجر شد، نیز با همین نوع توجیهاات تخطئه کردند. همانها که در سال ۵۷ اولین اعتراض توده ای به حجاب اجباری را اعتراض زنان شمال شهری نامیدند و در سال ۹۶ حرکت دختران خیابان انقلاب را امر کارگران ندانستند. و در ۸ مارسها نیز از شعار مزد برابر در ازای کار برابر فراتر نمیروند. این همان چپی است که با جنبش اکس مسلم، که به حرکتی جهانی بدل شده و از جانب اته نیستها و روی گردانان از اسلام در بسیاری از کشورهای اسلامزده با استقبال روبه شده است، مخالف است و در مقابلش می ایستد. آخرین شاهکار این چپ بورژوائی مخالفتش با کمپین علیه کرونا و فعالیت ستاد مقابله با کرونا، با این

توجیه مشعشع است که یک نهاد و فعالیت خیریه ای است. جمهوری اسلامی خودش عامل اصلی فاجعه کرونا در ایران بوده است و کرونا را به مساله ای سیاسی-امنیتی بدل کرده است اما چپ شرقزده نه تنها به مقابله برنمیخیزد بلکه مبارزه در این جهت را هم غیر سیاسی و خیرات اعلام میکند. وقتی امر و احساساتان شرقزده و اسلامزده باشد در سیاست هم خواسته ناخواسته با حکومت اسلامی همسو میشوید.

۲- خصوصیت دوم دیدگاهی که طبقه کارگر را به صنف تنزل میدهد، ندیدن نقش و موقعیت طبقه کارگر بعنوان نجات دهنده کل جامعه است. کارگر نه تنها خود بعنوان یک طبقه اجتماعی از انواع تبعیضات و بی حقوقی ها و مصائب در رنج است بلکه نمیتواند از این مصائب رها شود مگر اینکه کل جامعه را رها کند. این حکم پایه ای بر این واقعیت مبتنی است که در عصر ما ریشه همه مصائب و تبعیضات اقتصادی و سیاسی و حقوقی و ملی و قومی و مذهبی و جنسیتی و غیره و غیره نظام سرمایه داری است و برای رهایی کل جامعه باید نظام بردگی مزدی را برانداخت. این واقعیت را مانیفست کمونیست اعلام کرد و امروز حقانیت این حکم در شعار و گفتمان فراگیر نود و نه درصدی ها در برابر یک درصدی ها بیش از همیشه خود را نشان میدهد.

ادامه در صفحه ۶

معتقدند کل قضیه توطئه وزارت اطلاعات برای منحرف کردن اذهان عمومی و مبارزه طبقه کارگر است.

پشت همه این تئوری بافی ها احساس و همدلی عمیقی با فرهنگ شرقزده و اسلامزده بویژه در نگاه به رابطه زن و مرد نهفته است. یکی با اتکا به قرآن و احکام و اخلاقیات کپک زده اسلامی بوسه را ممنوع اعلام میکند و دیگری با اتکا به طبقه کارگر کمپین علیه جرم بودن بوسه را ممنوع اعلام میکند! احساس و امرشان یکسان است، توجیهااتشان فرق میکند.

ابتدا باید پرچم و در واقع بهانه طبقه کارگر را از دست این چپ شرقزده درآورد. از نظر این چپ کارگر یک طبقه اجتماعی نیست، بلکه یک صنف است. درست همانطور که بورژوازی به طبقه کارگر نگاه میکند، اینان نیز کارگر را صنفی می بینند که حداکثر مجازست در مورد شرایط فروش نیروی کار چانه بزند و یا اعتراض کند. جمهوری اسلامی مبارزه سیاسی را برای کارگران ممنوع اعلام کرده است و دوستان ما کمپین برای

با اعلام کمپین بوسه جرم نیست از جانب مینا احدی دو گروه در مخالفت بمیدان آمدند. گروه اول طرفداران حکومت و یا اپوزیسیون مذهبی حکومت، از حزب الهی تا مجاهد و دوخردادیها و غیره هستند و گروه دوم فعالینی که خود را چپ و کمونیست مینامند. تکلیف گروه اول روشن است. بوسه ممنوع حاصل فرنگ کپک زده آنهاست و کمپین بوسه جرم نیست همین متحجرین و حکومتشان را هدف قرار گرفته است و اینها طبعا به دفاع از خود برخاسته اند. اما گروه دوم با گروه اول "مرزبندی" دارد و دلایل یا در واقع توجیهاات دیگری هم دارد. اینها با کمپین بوسه جرم نیست مخالفند چون خود را طرفدار کارگر میدانند. چون معتقدند کارگر مسائل مهمتری دارد. معتقدند بوسه امری لوکس، حاشیه ای و بی ربط به طبقه کارگر است. میپرسند چرا برای افزایش دستمزدها کمپین براه نمی اندازید؟ برخی از این دوستان معتقدند اصلا کمپین کردن کار نهادهای عام المنفعه است و نه احزاب! بعضی هم

**برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به
حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.**

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری



پلنوم ۵۱ کمیته مرکزی حزب در روزهای دوم تا چهارم خرداد ۱۳۹۹ (۲۲ تا ۲۴ مه ۲۰۲۰) با حضور کلیه ۶۱ عضو کمیته مرکزی، ۴۰ نفر از مشاورین کمیته مرکزی و کادرها، تعدادی از اعضای سازمان جوانان کمونیست و چند مهمان بصورت آنلاین- ویدیویی برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، منصور حکمت عزیز و جانباختگان خیزش آبان و دیماه و جانباختگان پرواز اوکراین شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد. تفاوت این پلنوم با کلیه پلنوم های تاکنونی حزب این بود که بدلیل شیوع کرونا بصورت آنلاین برگزار شد و بدون مشکل فنی خاصی با موفقیت به پیش رفت و این تجربه جالبی از یک گردهمایی بزرگ حزبی بصورت ویدیویی بود.

حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه خود پس از اشاره به بحران جهانی کرونا تاکید کرد پاندمی کرونا بعنوان یک بیماری ناشی از ویروس است ولی بعنوان یک بحران اجتماعی محصول نظام سرمایه داری و مناسباتی است که بهداشت و درمان و محافظت از سلامت و جان انسانها را به کار و کسب و اموری برای سودآوری تبدیل کرده است. او سپس به شرایط سیاسی ایران پرداخت

و گفت گرچه امروز همه چیز تحت الشعاع بحران کرونا و مصائب ناشی از آن قرار گرفته اما عامل تعیین کننده و خصلت نمای فضای سیاسی ایران در چند ماه گذشته خیزش توده ای و کوبنده توده مردم علیه کل نظام جمهوری اسلامی در آبان و دیماه سال گذشته بود. وی این خیزش را نقطه عطفی در مبارزات مردم و جنبش سرنگونی طلبانه دانست و تاکید کرد که گرچه فاجعه کرونا از نظر شکل مبارزه ادامه تظاهرات توده ای را ناممکن کرد اما بر نفرت و انزجار توده مردم از حکومت افزود. او گفت در دل بحران کرونا مردم مستقیماً برای مقابله با این بیماری مهلک و حکومتی که عامل اشاعه آن در ایران بوده است وارد عمل شدند و حزب ما با تمام امکانات خود به مدد نهادها و کمیته های مردمی مقابله با کرونا شتافت. حمید تقوایی در پایان سخنان خود گفت بی تردید بدنبال بحران کرونا مبارزات و خیزش توده ای علیه جمهوری اسلامی در ایران اوج خواهد گرفت و حزب باید برای دوره پرتلاطمی که در پیش است و برای متحد و متشکل کردن جنبش سرنگونی و به پیروزی رساندن آن با تمام قوا خود را آماده کند.

در میحث گزارش بدنبال تصویب آیین نامه و دستور جلسات پلنوم، ابتدا اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب اشاره کرد که ۲۱ نفر از مسئولین ارگانها، نهادها و

کمپین های حزب که ۷۵ صفحه گزارش کتبی آنها از قبل به کمیته مرکزی و مشاورین ارسال شده فرصت دارند که گزارش شفاهی کوتاهی به پلنوم ارائه دهند. رئیس هیئت اجرایی حزب در گزارش خود تاکید کرد که هفت ماه گذشته، از مقطع کنگره یازدهم حزب تا کنون، یکی از مهمترین دوران تاریخ سیاسی ایران و خیزش ها و اعتراضات توده ای و یکی از پرتحرک ترین و موفق ترین دوران حزب بوده است. او به چهار اتفاق مهم، خیزش عظیم آبان ۹۸ که در ۱۵۰ شهر اتفاق افتاد، شلیک موشک توسط سپاه پاسداران به هواپیمای مسافری که به قتل ۱۷۶ انسان بیگناه منجر شد، اعتراضات سراسری دیماه که بدنبال این جنایت صورت گرفت و سپس دوره شیوع کرونا اشاره کرد و اینکه حزب حول این اتفاقات بصورت متمرکز فعالیت سیاسی و میدانی و تبلیغی گسترده ای در دستور قرار داد. فعالیت های وسیع میدانی حزب در ایران و خارج کشور و پیشروی ها و موفقیت های قابل توجه حزب ناشی از یک رویکرد و متدولوژی مارکسیستی و بر اساس تحلیل و تشخیص سیاسی درست از سیر تحولات سیاسی در ایران، بدلیل یک رویکرد عمیقاً اجتماعی، نفوذ سیاسی و ارتباط زنده و هر روزه با اعتصابات و اعتراضات توده ای، نقش کادرهای شناخته شده، همدلی در صفوف

کادرهای حزب و دسترسی نسبتاً وسیع به جامعه است. در این دوره رابطه حزب با جنبش های مختلف حق طلبانه مردم و شبکه ها و نهادهای کارگری و مردمی بیشتر تحکیم شده و بطور کلی نفوذ حزب در جامعه بطور محسوس افزایش یافته و حزب در موقعیت بهتری برای تداوم فعالیت قرار گرفته است.

مصطفی صابر در گزارش خود به پلنوم ابتدا به فعالیت های دفتر سیاسی در هفت ماه گذشته که گزارش کتبی مشروح آن قبلاً در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفته بود اشاره کرد و تاکید نمود که دفتر سیاسی در این دوره نیز همراه و هم جهت هیات اجرایی و لیدر حزب بوده است. وی همچنین با اشاره به گزارش های پرشوری که به پلنوم رسیده گفت همین هم نشان میدهد که چطور حزب کمونیست کارگری یک پدیده ارزشمند برای آزادیخواهی کارگری و کمونیسم و مردم ایران است. این حزب البته باید بسیار قویتر و وسیعتر شود و برای انجام وظایف هرکولی اش آماده تر شود. وی همچنین بر ضرورت فعالیت نظری گسترده تر حزب با توجه به تغییرات تکنولوژی و سبک زندگی و طرح مسائل و نظریه های جدید، و همچنین اهمیت دادن به فعالیت در قبال کشورهای منطقه و در سطح بین المللی تاکید گذارد.

مینا احدی سخنگوی حزب ضمن اشاره به اینکه سخنگویی حزب یک پدیده نسبتاً جدید است به برخی فعالیت های خود اشاره کرد و

گفت به امید آنروزی است که حزب کمونیست کارگری به موقعیتی برسد که وقتی سخنگوی آن میخواهد حرف بزند موج خبرنگاران هجوم بیاورند و همه گوش و چشم ها متوجه این حزب شود. او به مثالهای مشخصی اشاره کرد که چطور حزب در این جهت گام بر میدارد. از جمله به فعالیت های ستاد مردمی مقابله با کرونا که شخصاً در ایجاد آن نقش محوری داشته و کارهایی که این ستاد در رابطه با داخل ایران کرده و همچنین به کمپین "بوسه جرم نیست" اشاره کوتاهی کرد و گفت افتخار میکنم که عضو حزبی هستم که مخالفینش آنرا حزب رقص و حزب بوسه و حزب منبر و مسجد میدانند. او در پایان ضمن قدردانی از کادرها و اعضا حزب و رهبری آن بخاطر فعالیت های گسترده، تاکید کرد که حزب وظایف بسیار متنوع و وسیعی از جمله در زمینه سازماندهی و وصل شدن به فعالین و لیدرهای محلی عرصه های مختلف مبارزه در ایران بر دوش دارد.

کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست اشاره کرد که مجموعه ای از تحولات عظیم در جامعه ایران صورت پذیرفت که مبارزه علیه جمهوری اسلامی را وارد فاز تازه ای کرد: خیزش آبانماه ۹۸ که تمامی بنیانهای حکومت را به لرزه درآورد، اعتراضات سراسری دیماه در عکس العمل به شلیک عمدی سپاه به هواپیمای اوکراینی، شکست مفتضحانه حکومت در انتخابات اسفندماه و نهایتاً ادامه در صفحه ۶

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۱ کمیته مرکزی...



به بحث حول گزارش و فعالیت های مختلف حزب پرداختند. سمیر نوری دبیر حزب کمونیست کارگری چپ عراق نیز گزارشی به پلنوم حزب ارائه داد.

دو قطعنامه که از جانب حمید تقوایی به پلنوم ارائه شده بود یعنی "بحران کرونا و شرایط سیاسی در ایران و "اولویتهای حزب در شرایط حاضر" و قطعنامه ای که از طرف مینا احدی و حمید تقوایی ارائه شده بود تحت عنوان "پرداخت حقوق پایه و تامین زندگی همگان" با اکثریت آرای اعضای کمیته مرکزی مورد تصویب قرار گرفت. قطعنامه در مورد "ملزومات پیروزی کمونیسم کارگری در تحولات سیاسی حاضر" که از جانب علی جوادی ارائه شده بود با رای مخالف اکثریت اعضای کمیته مرکزی مورد تصویب قرار

بهران شیوع کرونا که پنهانکاری و اهمالکاری حکومت در مقابل شیوع کرونا، موج اعتراض و خشم به حکومت را به صورت تصاعدی افزایش داد. در این دوره سازمان جوانان حزب با تامین حضور سیاسی کمونیسم کارگری و نمایندگی سیاسی جوانان، زنان، دانشجویان، آنتیستها و رنگین کمانان ایرانی در جدالهای سیاسی جاری در جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و البته حاشیه ای نمودن گرایشهای سیاسی دیگر در این عرصه ها نقش فعالانه ای ایفا نموده و حضور سیاسی خود را از طریق شبکه های اجتماعی

و برنامه های تلویزیونی و ارتباط با فعالین داخل کشور و سازماندهی آنها در جنبش های اجتماعی به پیش برده است. بدنبال این گزارشات، مسئولین کمیته های سازمانده، کمیته کردستان، کمیته آذربایجان، کمیته خارج کشور، سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئول کمیته مالی حزب و همینطور مسئولین سایر ارگانها و عرصه ها و کارزارها گزارش کوتاهی از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و همینطور کادرها و هممانان شرکت کننده در پلنوم فعالانه

نگرفت. دو قرار نیز به پلنوم ارائه شده بود که بدلیل ضیق وقت به دفتر سیاسی آتی محول شد.

در طول پلنوم همچنین چهار پیام خطاب به پرستاران و کادر درمانی، خطاب به خانواده های جانباخته در آبان و دی ۹۸، خطاب به خانواده های جانباختگان پرواز اوکراین و خطاب به کارگران قرائت شد.

در مبحث انتخاب دبیر کمیته مرکزی حمید تقوایی و محمد آسنگران کاندید شدند و پلانقرم خود را ارائه دادند. حمید تقوایی بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و بدنبال آن ۲۶ نفر بعنوان دفتر سیاسی انتخاب شدند: که عبارتند از: کیان آذر، فریده آرمان، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب

بهرامی، آذر پویا، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، محمد شکوهی، شیرین شمس، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزنان، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، شیوا محبویی، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه توسط حمید تقوایی و سرود انترناسیونال به پایان رسید. در انتخابات رئیس دفتر سیاسی که پس از پلنوم برگزار شد، مصطفی صابر به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد.*

حزب کمونیست

کارگری ایران

۷ خرداد ۱۳۹۹

۲۷ مه ۲۰۲۰

از صفحه ۴

کمپین "بوسه جرم نیست"

زیر پرچم نقد طبقاتی طبقه کارگر علیه همه مصائب و تبعیضات متحد و متشکل بشوند و علیه حاکمیت یک درصدیها بمیدان بیایند. چپ بورژوازی اساسا این را نیمفهمد چون کارگر را از جامعه و از سیاست کنار گذاشته است. اگر در جنبه اول چپ بورژوازی کارگر را از جامعه خط میزد اینجا از سیاست خط میزند. و این دو کاملا به هم

مربوط اند. وقتی میگویند ممنوعیت بوسه یا حکم و مجازات سنگسار و یا مقابله با کرونا و یا مبارزه علیه حجاب به کارگر مربوط نیست در واقع اعلام میکنند سیاست به کارگر مربوط نیست. این چپ در بهترین حالت از سندیکالیسم و آنارکو پاسیویسم سر درمی آورد و این در جامعه ای مثل ایران که حتی آواز خواندن زنان و رقصیدن و شاد بودن سیاسی

زن ناموس

هیچکس نیست

نه به ناموس پرستی
مردسالارانه، نه به فرهنگ و
قوانین ضد زن اسلامی!

است عملا یعنی تقویت جمهوری اسلامی. کارگران و توده مردم در خیابان و با شعارهای کوبنده و فراگیر از جمله "منزلت معشیت حق مسلم ماست" جواب این چپ بورژوازی را فی الحال داده اند. ممنوعیت بوسه، مثل ممنوعیت شادی و ممنوعیت آواز و ممنوعیت روابط آزادانه بین زن و مرد مصداق بارز نفی منزلت انسانها است. چپی که دفاع از منزلت انسانی را از مبارزه کارگر خط میزند، از معیشت او نیز نمیتواند دفاع کند.*

حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد



قطعه نامه درباره بحران کرونا و شرایط سیاسی در ایران

مصوب پلنوم ۵۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱- پاندمی کرونا که سراسر دنیا را در بر گرفته و زندگی اجتماعی را فلج کرده است بیش از هر زمان دیگر سترونی و ناتوانی سرمایه داری در حفظ جان و سلامت انسانها را به نمایش میگذارد. عدم پیشگیری یک بیماری قابل پیش بینی، و کاستن مستمر از خدمات درمانی و پزشکی در همه کشورها، در ایجاد بحران کرونا مستقیماً نقش داشته اند. بیماری کرونا ناشی از یک ویروس است اما بحران کرونا زاده نظام سرمایه داری است.

۲- بحران کرونا نه تنها ناتوانی سرمایه داری در نجات جان و سلامت انسانها بلکه انحطاط و تناقض آن با زندگی اجتماعی را بروشنی به همگان نشان داد. اقتصاد مبتنی بر سود و سوداندوزی و قوانین بازار هیچ زمان مانند امروز مغایرت و تناقض خود با حفظ جان و تامین ابتدائی ترین نیازهای انسانی، و با نفس زندگی اجتماعی را این چنین به نمایش نگذاشته بود. بحران کرونا فلسفه سیاسی- اقتصادی، جهان بینی و سیستم ارزشی سرمایه داری را در همه عرصه ها از جانب توده های وسیع مردم زیر سؤال میبرد و تماماً بی اعتبار میکند.

۳- بحران کرونا همچنین نشان داد که بدون کار هرروزه و بیوقفه کارگران بخش خدمات از پرستاران و سایر کارگران بیمارستانها و خدمات درمانی تا کارگران شهرداری و آب و برق و گاز و تا کارگران حمل و نقل مواد غذایی و کارگران سوپر مارکتها و بخشهایی نظیر آن، جامعه

فرو خواهد پاشید. بیش از همیشه روشن شد که طبقه کارگر نه تنها تولید کننده همه چیز، بلکه عامل ادامه حیات کل جامعه است.

۴- جمهوری اسلامی در شیوع ویروس کرونا در ایران و در منطقه نقش ویژه و برجسته ای داشته است. جمهوری اسلامی با عدم قطع پروازها به چین، عدم اطلاع رسانی و دروغگوئی در مورد شیوع بیماری کرونا، عدم رعایت موازین و استانداردهای علمی و بهداشتی بین المللی در مقابله با بیماری کرونا و در عوض توسل به خرافات مذهبی، عدم تامین ابتدائی ترین تجهیزات پزشکی نظیر ماسک و دستکش و ارسال کمکهای خارجی در این زمینه به بازار سیاه و نیروهای اسلامی طرفدار خود در کشورهای منطقه، تعقیب و دستگیری گسترده مردم به جرم اطلاع رسانی در مورد حقایق مربوط به قربانیان و مبتلایان به کرونا، رد کردن کمک پزشکان بدون مرز و اقدامات ضد انسانی دیگری از این دست خود عامل مستقیم اشاعه کرونا و کشتار مردم در ایران بوده است.

۵- یک ویژگی مهم شرایط ایران در مقطع شکلگیری بحران کرونا وجود موج گسترده و فزاینده مبارزات توده ای برای بزرگ کردن کشتن حکومت بود. خیزش آبان ماه ۹۸ در بیش از ۱۵۰ شهر و پس از آن اعتراضات کوبنده دیماه با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد نقطه عطفی در جنبش سرنگونی طلبانه مردم و بحران و ضعف و بن بست

حکومت بشمار میرود. ۶- مقابله مردم با سیاستهای ضد انسانی جمهوری اسلامی در قبال بحران کرونا، علیه تلاشها و سیاستهای سرکوبگرانه و جنایتکارانه حکومت در شلیک به مردم و کشتن بیش از ۱۵۰۰ نفر در آبانماه ۹۸، خنثی کردن نمایش مهوع عزاداری سردار جنایتکارشان که خود به کشته شدن بیش از ۷۰ نفر منجر شد و با شعار "سلیمانی قاتله" و پاره کردن عکس سلیمانی و خامنه ای از جانب دانشجویان و مردم معترض پاسخ گرفت، و اعتراض علیه شلیک عامدانه به هوایمای مسافری که رسوائی جهانی حکومت را بدنبال داشت، بایکوت دهه فجر و نه محکم مردم به مضحکه انتخابات حکومت، در کنار بن بست و فروپاشی اقتصادی، جمهوری اسلامی را در بحرانی ترین و ضعیف ترین و در مانده ترین موقعیت خود قرار داده است.

۷- گرچه بحران کرونا از دامنه تجمعات و تظاهرات اعتراضی کاست اما بر خشم و انزجار مردم از جانیان حاکم افزود. در مقابله با ویروس کرونا و حکومت همدست آن مردم خود دست بکار شدند و با تشکیل ستادها و کمیته های کمک رسانی و در حمایت از پزشکان و پرستاران و کارگران بیمارستانها و خدمات درمانی، فعالیت گسترده ای را در شهرهای مختلف ایران شروع کردند.

تشکیل این نهادهای مردمی، در کنار اعتراضات کارگری بر سر تامین معیشت، علیه بیکارسازیها،

برای افزایش دستمزدها، اعتراضات برای تعطیل زندانها و آزادی زندانیان، طرح وسیع شعار و گفتمان "قرنطینه بدون تامین معیشت ممکن نیست"، دادخواهی خانواده های قربانیان هوایما و جانبختگان آبانماه، و مبارزه در عرصه های مختلف علیه سیاستهای ضد انسانی حکومت در واقع ادامه خیزش آبانماه زیر سایه سیاه کرونا است. سیاستهای ضد انسانی حکومت در برخورد به مساله کرونا توده مردم را متحد تر و در عزمشان برای بزرگ کردن جانیان حاکم راسخ تر کرده است. این مبارزات و فعالیتها خود بخشی از جنبش اعتراضی مردم علیه سیاستهای ضد انسانی حکومت در قبال شیوع ویروس کرونا و علیه کل نظام جمهوری اسلامی است.

۸- با پاندمی کرونا بی ربطی و پوچی خدا و مذهب و مقدسات مذهبی بیش از پیش عیان گشت. زیارت و مناسک و تجمعات مذهبی از واتیکان تا مکه و اورشلیم و از مراسم عید پاک تا زیارت کعبه تعطیل شد و آخوندها و کشیشها و خاخامها ناگزیر شدند مثل دیگر کار و کسب ها تا اطلاع ثانوی در دکان خود را تخته کنند. بویژه در ایران تلاشهای اولیه مقامات حکومتی برای توسل به دعا و ثنا و حرم و امامزاده ها و

خرافات اسلامی در مقابله با کرونا به موضوع جوک و تمسخر مردم تبدیل شد و گرایش ضد مذهبی و اته ئیستی که فی الحال در جامعه ایران وجود داشت را گسترده تر و عمیق تر کرد.

۹- بحران کرونا مساله تامین معیشت را در همه کشورها، و بویژه در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی که فلاکت و بیکاری و تورم چند ده درصدی جزء همیشگی شرایط اقتصادی است، به یک امر مبرم و حیاتی برای کارگران و توده محروم مردم تبدیل کرده است. از یکسو کارگران ناگزیرند برای حفظ جان و سلامت خود از حضور در کارخانه ها و مراکز تولیدی خودداری کنند و از سوی دیگر برای تامین معیشت خود و خانواده هایشان مجبور به کار هستند. این تناقض ناشی از نظام سرمایه داری و حکومت یک درصدیهای مفتخور است. امروز عوارض مخرب کرونا در ایران به فساد و دزدی مافیای حاکم و دستمزدهای یک پنجم زیر خط فقر و کل شرایط فلاکت بار فی الحال موجود در جامعه افزوده شده است. باید حکومت را وادار کرد تا معیشت همه کسانی که درآمد کافی برای گذران یک زندگی منطبق بر استانداردهای ادامه در صفحه ۱۲

تکرار مکرر در سیاست پارلمان

مراد مکوندی

برای شما که این تیتراژ می خوانید، ممکن است کمی تازه و عجیب باشد. اما بگذارید با همین تیتراژ به بررسی تغییر سیما و فضای مجلس اسلامی بپردازم. مجلس اسلامی هر روز که می گذرد، بی خاصیت تر می شود. در دو سال گذشته آخرین بی رمقی ها را از مجلس بی رنگ و بوی اسلامی دیده ایم، مجلسی که در روز چهارشنبه هفتم خرداد شروع به کار کرده، ضعیف ترین دوره ی به اصطلاح پارلمان در جمهوری کرونایی اسلامی است. چرا که فاقد حداقل مشروعیت اجتماعی حتی با معیار مجالس جمهوری اسلامی است. مجلسی تماما نمایشی با مشارکت بیست و چند درصدی که در روز نخست کاری اش معلوم شد که تعداد زیادی از راه یافتگان به مجلس فرمایشی با تقلب و جعل مدارک در انتخابات

شرکت کرده اند و تایید اعتبار نامه شان با مشکلات عدیده ی اداری مواجه شده است. ماجرای عدم مشروعیت این دوره از مجلس اسلامی فقط به نمایندگان راه یافته ختم نمی شود، بلکه جدال راه افتاده برای ریاست آن هم خود ماجرای دیگری است. تا اینجا کار قالیباف- پاسدار و شهردار سابق تهران- که فساد مالی اش را حتی اصولگرایان هم براحتی انکار نمی کنند، در صدر نامزدهای این پست و سمت است که در حقیقت رییس قوه ی مقننه است. آدمی که دستش به خون دانشجویان معترض کوی دانشگاه (جنبش دانشجویی سال ۷۸) اغشته است و در شوی مناظرات انتخابات دوره ی قبل ریاست جمهوری پرده از آن برداشته شده و در اختلاس ها و زمین خواری ها و تراکم فروشی های ساخت و سازهای تهران در دوران ریاستش بر

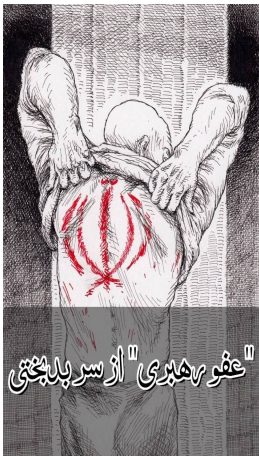
شهرداری پایتخت، بعنوان متهم از سمت خود برکنار شده، اکنون رییس قوه ای میشود که قرار است برای مملکت قانون وضع کند، یا به قول خامنه ای می خواهد «ریلگذار نظام ولایی» باشد. تنها در نظام های پوسیده ی دیکتاتوری و رژیم های گندیده ی کرونایی است که به چنین جرثومه هایی امکان رشد و ترقی می دهد. حتی رژیم های سرکوبگر و فاسد سرمایه داری برای حفظ ظاهر هم که شده، از چنین مهره های سوخته و منقضی تاریخ مصرف، استفاده نمی کنند، اما نظام مفلوک و به پایان رسیده برای نجات خود در دریای توفانی اعتراضات مردمی، دست به سوی تخته پاره های این چنینی دراز می کند. از همین روز نخست مجلس اسلامی، معلوم است که چه دورنمایی برای پارلمان جمهوری ویروسی اسلامی متصور است.

چرا مجلس اسلامی به اینجا رسیده است؟
مجلس دوره ی قبل نشان

داد که هیچکاره است؛ نه تغییر نرخ بنزین به او مربوط است و نه تصویب لایحه ی بودجه ۹۹. چونکه در راس این نظام، یک نفر نشسته است که با نوک عصایش، اشاره می کند و کارها را آنطور که می خواهد به پیش می برد.

من گمان می کنم که یکدست شدن مجلس مضحک اسلامی در راستای اراده ی راس نظام برای نجات یافتن از سقوط قریب الوقوع است. به بیان روشن تر؛ وقتی اعتراضات مردم و عروج جنبش های اجتماعی حلقه ی محاصره را گرد رژیم تنگ تر کرده است و فساد سیستماتیک و ذاتی خاندان حکومتی هر روز بیشتر از روز قبل، این فرقه ی غارتگر را رسواتر و ناتوان تر می کند، چاره ای جز یکدست کردن قوای اقتدارش ندارد، وگرنه جناح بندی های اصولگرا و اصلاح طلب در اساس، یوچ است.

مثالش را اینگونه می آورم که در شوها و سیرک ها برای مشغول کردن تماشاچیان از



یک دلقک تردست استفاده می کنند تا جلوی صحنه بیاید و دو توپ کوچک یا دو گوی را به هوا بیندازد و به توالی دست به دست کند و روی هوا بقاید و نگذارد توپ و گوی به زمین بیفتد، تا شعبده بازان بتوانند برای بازی اصلی آماده شوند و به صحنه بیایند. گاهی هم دلقک تردست، تعداد توپ و گوی چند رنگ را افزایش می دهد و به سه و چهار می رساند.

یکدست شدن مجلس اسلامی فی الواقع نشان از یکجهت شدن اعتراضات و عزم متحدانه ی مردم برای سرنگون کردن رژیم فقر و فلاکت اسلامی دارد.*

از صفحه ۲

دور دیگری از برآمد توده ای برای سرنگونی...

از مقطع آبان و دی ماه بیشتر روشن شد. از آن زمان بیشتر روشن شد که این جنگ مغلوبه ای است بین جامعه ای که حکومت را نمیخواهد و یک حکومت جانی که استراتژی اش "بکش و بمان" است. میکشد تا بماند. به نظر من این خصلت نامی دوره حاضر است.

در پایان صحبتیم میخوایم خیلی خلاصه وارد این موضوع بشوم که این دوره، با توجه به نقشی که حزب در هفت ماه گذشته ایفا کرد، یکی از فعال ترین و یکی از موفق ترین دوره های مبارزه حزب ما بود. چه در رابطه با خیزش آبان ماه، چه در رابطه با خیزش دی ماه، چه در رابطه با مسئله شلیک موشک به هوایما و چه در دل بحران کرونا، حزب ما صرفا یک حزب مبلغ، حزب توضیح حقایق، حزب افشاگری و فقط حزب تبلیغ و ترویج

نبود. بلکه مهمتر از آن، حزبی بود دست اندر کار، میدانی، فعال و دخیل در تمام این عرصه ها. حرکتی را که ما سازمان دادیم، حرکتی را که در آنها شرکت کردیم، اینکه توانستیم توجه خیلی از فعالین و اکتیویستها را جلب کنیم و حول پرچمهای رادیکال و پیشروئی جمعمانی فعال بشوند، اینها جزئی از کارنامه حزب در این دوره است. ما این را در گزارشها و در بحثهای دیگر این پلنوم بیشتر باز میکنیم.

در اینجا فقط به عنوان جمع بندی یا خلاصه کل بحث این را بگویم که ما با

یک دوره توفانی و پرتحول، تحولات زیرورو کننده، در ایران روبرو بودیم، نقطه عطفی را داشتیم و مطمئنا در دل بحران کرونا و به دنبال آن بحران اقتصادی سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی عمیق تر خواهد شد. الان حکومت از نظر اقتصادی کاملا ورشکسته است، میتوان گفت که اقتصاد جمهوری اسلامی کاملا فروپاشیده است؛ از نظر سیاسی و اجتماعی کاملا رسوا است؛ در همه جا به عنوان حکومت قاتل مردم شناخته میشود؛ حتی در افکار عمومی دنیا رسواتر از گذشته شده است. به همین خاطر ما باید گوش

به زنگ باشیم که دوره دیگری از اوجگیری مبارزه مردم و اعتراضات مردم ایران شروع خواهد شد. این بیشترین و قویترین احتمال است و حزب ما باید در ادامه فعالیتهایی که تا به حال داشته، منتها در ابعادی بسیار عمیق تر و گسترده تر و فعال تر، به استقبال این شرایط برود و بتواند مبارزات توده مردم را هرچه بیشتر متشکل کند، متحدتر کند و جنبش سرنگونی و انقلاب مردم برای بیزیر کشیدن حکومت را به پیروزی برساند.

خیلی متشکریم.



زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. ۲۰ ژوئن روزی برای بلندتر کردن صدای زندانیان سیاسی و همراهی با خانواده های زندانیان سیاسی، روز بلند کردن صدای دادخواهی مادران خاوران و خانواده های جانبختگان آبانماه و اعتراض به حکومت اسلامی و سرکوبگریهایش است. با این روز وسیعاً اعلام همبستگی کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندان

شهلا دانشفر
shahla.daneshfar2@gmail.com
il.com
<http://free-them-now.com/>
۸ خرداد ۹۹
۲۸ مه ۲۰۲۰

ما قول وقرارهائی داد اما بجای اینکه وضعیت ما را روشن کند، نیروهای یگان ویژه را برای ما فرستاد"
کارگران و مردم شریف اهواز!

یورش گارد ویژه جمهوری اسلامی به کارگران شهرداری اهواز که فقط حقوق توافق شده خود را طلب می کنند یورش و حمله ای به همه ماست. این حمله وحشیانه نباید از جانب ما بی جواب ادامه در صفحه ۱۰

امروز در دل بحران کرونا علاوه بر تاکید بر خواست همیشگی آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، یک خواست مهم جامعه تعطیلی زندانها و آزادی تمامی زندانیان در بند و نجات جان آنهاست.

هم اکنون جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و همچنین اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، ناهید فتحعلیان، محمود بهشتی، محمد علی زحمتکش و یاسر امینی آذر از معلمان معترض و نیز آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام همراه با شمار بسیاری از زندانیان سیاسی دیگر در زندانند. کارگران زندانی، معلمان دربند و تمامی

رسید و برای فرزندانمان چیزی نخریدیم مورد ضرب و شتم نیروهای یگان ویژه قرار گرفتیم. یکی از دوستانمان بنام "محمد منصوری" از ناحیه دست دیگری از ناحیه پا با اصابت گلوله مجروح شدند و یکی از کارگران بنام "رضا شریفی" را بازداشت کردند و روز جمعه دوم خرداد ماه ۹۹ به دلیل اصابت تیر به ناحیه کمرش جهت معالجه آزادش کردند". این کارگر افزود: "علیرضا عالیپور معاون خدمات شهری اهواز به

بیاورید:

<http://tiny.cc/1yovpz>

"فری دم ناو" از همه تشکلهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار دارد که از این روز اعتراض جهانی حمایت و پشتیبانی کنند و برای متوقف شدن فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری و بر روی تمامی فعالین سیاسی در ایران به رژیم اسلامی فشار بیاورند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی شوند.

جامعه هر روز بیشتر با کارزارهای قدرتمندش برای باز کردن در زندانها دارد به میدان می آید و از جمله شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" یک شعار مهم مردم در خیزش آبانماه و دیماه بود. امسال در شرایطی به استقبال ۲۰ ژوئن روزحمایت از زندانیان سیاسی میرویم که جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی قویتر از هر وقت در میدان است. کارگران، معلمان و فعالین جنبش های اعتراضی در عرصه های مخالف فعالین این جنبش هستند و در صف جلوی آن خانواده ها قرار دارند. بویژه

پیمانکار اقدام کرد. این اقدام خشم و اعتراض کارگران را برانگیخت که منجر به اعتراض مجدد کارگران در روز شنبه ۳ خرداد شد. در این روز رژیم اسلامی سرمایه تصمیم گرفت یگان ویژه خود را به جان کارگران بیاندازد. در اثر تهاجم وحشیانه نیروهای یگان ویژه شماری از کارگران زخمی شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. یکی از کارگران شهرداری گفت: "ما بجز دستمزد خود چیزی نخواستیم ایم، عید



۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

به این مناسبت برگزار می کند. "کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این اقدام مهم حمایت کرده و همدمش با کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش کرده است که به استقبال این روز اعتراضی سراسری برود.

امسال بدلیل شرایط ویژه کنونی و بحران کرونا، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به مناسبت گرامیداشت ۲۰ ژوئن، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی، در تدارک برگزاری کنفرانسی "ویرچوال" یا اینترنتی است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) همگان را به حمایت وسیع از این روز و شرکت در این کنفرانس فرامیخواند. اطلاعات مربوطه به برنامه های ۲۰ ژوئن را در لینک زیر میتوانید بدست

بیستم ژوئن روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و سالگرد نسل کشی و هولوکاست اسلامی در ۳۰ خرداد سال ۶۰ است. این روز همچنین سالگرد خیزش عظیم مردمی سال ۸۸ علیه جانیان اسلامی و سالگرد به خون غلطیدن ندا آقا سلطان و سهراب اعرابی و دیگر عزیزان به دست جنایتکاران حاکم است. با گرامیداشت این روز عزم خود را برای باز کردن در زندانها و آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و لغو فوری مجازات اعدام اعلام میکنیم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از سال ۲۰۱۰ این روز را بعنوان روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران اعلام کرده و هر ساله برنامه های مختلفی

حمله یگان ویژه به کارگران شهرداری اهواز را بی جواب نگذاریم!

کارگران حقوق خود طبق مصوبه شورای عالی کار حکومت در سال ۱۳۹۹ و همچنین حقوق معوقه شان را طلب می کردند. شهرداری اهواز بجای جواب دادن به خواستههای کارگران به اخراج کارگران معترض و استخدام کارگران جدید از طریق

روز شنبه ۳ خرداد ۹۹ کارگران شهرداری منطقه ۶ اهواز پس از چند اعتراض برای طلب خواستههایشان با حمله وحشیانه نیروهای یگان ویژه جمهوری اسلامی روبرو شدند و مورد تهدید، بازداشت و ضرب و شتم سرکوبگران حکومت قرار گرفتند. این

لغو احکام صادره برای برخی از کارگران هفت تپه و بازداشت شدگان اول مه



علی نجاتی



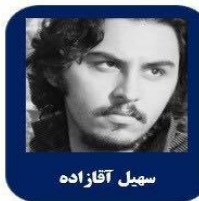
اسماعیل بخشی



محمد خنیفر



مرضیه امیری



سپید آقازاده



لیلا حسین زاده



عاطفه رنگریز



@SJKTAMAS

قطعا دور نیست روزی که در زندانها را بگشاییم . همه سردسته های جنایتکاران و شکنجه گران باید در دادگاههای علنی مردم در جایگاه متهم قرار گیرند.

**حزب کمونیست
کارگری ایران**
۴ خرداد ۱۳۹۹
۲۴ مه ۲۰۲۰

هفت تپه قرار دارند محاکمه میشوند. لغو احکام زندان برای شماری از زندانیان سیاسی و فعالین کارگری یک موفقیت است و این عقب نشینی را نتیجه اعتراضات مردمی علیه حکومت میدانیم و بر آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و پرداخت غرامت به آنها و محاکمه شکنجه گران و جنایتکاران تاکید داریم و

بازداشتی نیشکر هفت تپه بنا بر خبرها روز ۲۹ اردیبهشت اولین جلسه دادگاه متهمان فساد مالی در این مجتمع در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم "اخلالگران و مفسدان اقتصادی" برگزار شد. در این دادگاه هفده نفر از سهامداران شرکت نیشکر هفت تپه و مافیای حاکم بر این کارخانه که در راسش امید اسدیگی مدیر سابق

بلافاصله پرداخت شود. هر گونه تعرض و همچنین بازداشت کارگران باید خاتمه یابد و همه کارگران بازداشتی باید آزاد شوند.

**حزب کمونیست
کارگری ایران**
۴ خرداد ۱۳۹۹
۲۴ مه ۲۰۲۰

اقدامات حمایتی شما باعث می شود که جمهوری اسلامی خود را با سد محکمی از اعتراض و مبارزه و همبستگی روبرو بینید و از دست درازی به کارگران دست بکشد. کارگران اخراجی شهرداری فوراً باید به مشاغل خود برگردند و حقوق های آنها

حزب کمونیست کارگری ایران مردم شهر اهواز و کارگران این شهر از کارگران فولتا تا لوله سازی و دیگر بخش ها را فرامی خواند که نسبت به این زورگویی جمهوری اسلامی واکنش نشان دهند و از کارگران شهرداری حمایت کنند.

تلخیصی از اطلاعیه لغو احکام صادره برای برخی از کارگران هفت تپه و بازداشت شدگان اول مه

کارگر لغو شده است. نام لیلا حسن زاده فعال دانشجویی و سهیل آقازاده فعال دانشجویی نیز در این لیست دیده میشود. اما کیوان صمیمی روزنامه نگاه و حسن سعیدی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد از بازداشت شدگان اول ماه مه ۹۸ در حال گذران دوره محکومیت خود در زندانند و ظاهراً شامل لغو احکام نشده اند. بعلاوه هنوز از لغو احکام سپیده قلیان، امیرامیر قلی، امیرحسین حمدی فرد، ساناز الله باری و عسل محمدی از حامیان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه که هر کدام ۵ سال حکم دارند، خبری نیست. اسامی کامل کسانی که احکامشان لغو شده ، هنوز منتشر نشده است. جالب اینجاست که همزمان با لغو احکام کارگران

قوه قضائیه جمهوری اسلامی از لغو محکومیت برخی از کارگران هفت تپه و تعدادی از بازداشت شدگان اول مه خبر داده است. این اقدام که کلاً ۳۷۲۱ نفر از محکومان را شامل میشود، تحت عنوان عفو از جانب خامنه ای به مناسبت عید فطر عنوان شده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی فرزانه زیلابی وکیل کارگران نیشکر هفت تپه، اسامی اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه، محمد خنیفر از کارگران این کارخانه و علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه که هر کدام ۵ سال حکم داشتند در این لیست قرار دارد. همچنین بنا بر خبرها احکام حبس عاطفه رنگریز و مرضیه امیری از بازداشت شدگان روز جهانی

از صفحه ۹

حمله یگان ویژه به کارگران شهرداری...

این توحش و جنایت جمهوری اسلامی این درد را مشترک را فریاد زنیم. کارگران شهرداری اهواز باید با حمایت وسیع مردم شهر روبرو شوند. کارگران شهرداری به قول خودشان "پیاده نظام در جنگ با کرونا و ویروس" بوده و هستند. شهرداریها آنها را گرسنه و دست خالی به میدان جنگ فرستاده اند. با اینحال حقوقشان را نمی دهند و با زور و سرکوب جوابشان را می دهند.

بماند. کارگر حق دارد و باید بتواند فارغ از تهدید و زندان اعتراض کند و خواست خود را طلب کند. همه ما درد و خواست مشترکی داریم. همه ما از دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و تعویق در پرداخت دستمزدها و بیکاری خونمان به جوش آمده است. همه ما می دانیم که این حکومت کمر به در هم شکستن ما بسته است تا بتوانند بماند و به غارت دسترنج ما بپردازد. در مقابل

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran

دستمزد کارگران باید برابر با خط رفاه در جامعه باشد.

یک زندگی انسانی، حق بی چون و چرای آحاد جامعه است!



کردند اما بدلیل عدم پرداخت حق بیمه آنها توسط کارفرما، از دریافت همان مبلغ ناچیزی که تحت عنوان "بیمه بیکاری" به کارگرانی که اخراج میشوند باید پرداخت شود، نیز محرومند. بعلاوه بخاطر تعطیلی کارخانه وضعیت قراردادی آنها در سال ۹۹ هنوز مشخص نیست و در بلاتکلیفی بسر میبرند. زیر فشار اعتراض کارگران مقرر شده بود که پیمانکار تا آخر خردادماه مشکلات کارگران را حل کند. اما دو روز قبل معلوم شده که کاری صورت نگرفته است و این موضوع به خشم کارگران

ادامه در صفحه ۱۲

بیمه و نداشتن امنیت شغلی و وعده و وعیده های کارفرما و مسئولان شهرستان، در مقابل درب ورودی دفتر این معدن تجمع کردند. به گفته کارگران هر کارگر ساده با حقوق یک میلیون و نهصد هزار تومان در این کارخانه نزدیک به ۱۱ میلیون از شرکت طلب دارد. مطالبات آنها مربوط به دریافت حقوق طی ماه های فروردین ۹۸، بهمن و اسفند ۹۸ و فروردین ۹۹ است. همچنین آنها ما به التفاوت پرداختی ناقص حقوق خود در سه ماه ۹۸ و عیدی همان سال را طلب دارند. بعلاوه کارگران برای ثبت نام بیمه بیکاری به سامانه وزارت کار جهت دریافت بیمه مراجعه

- روز سه شنبه ۶ خرداد، کارگران روغن نباتی شیراز در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه مزد و حق بیمه و دیگر مطالباتشان و نیز بلاتکلیفی شغلی خود مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. بنا بر خبرها کارگران مشمول بازنشستگی این واحد تولیدی نیز بدلیل عدم پرداخت سهم حق بیمه بلاتکلیف هستند. گفته میشود که این کارخانه در معرض فروش است و در نتیجه آن بیش از ۲۰۰ کارگر این کارخانه در خطر بیکاری قرار دارند.

- روز سه شنبه ۶ خرداد کارگران معدن کرومیت امین یار فاریاب بار دیگر در اعتراض به عدم دریافت حقوق و حق

اعتراضات کارگری علیه نپرداختن دستمزدها، قراردادهای موقت و اخراجها

اطلاعیه خبری

چندین تن از کارگران به کرونا مبتلا شده اند و این باعث نگرانی کارگران و کارکنان این شرکت شده است.

- روز ۷ خرداد کارگران شهرداری اهواز در منطقه کوی علوی (شلنگ آباد) به دلیل عدم پرداخت حقوقشان دست به اعتصاب زدند.

- روز چهارشنبه ۷ خرداد پس از گذشت مدتی از صدور حکم ابطال واگذاری کارخانه قند یاسوج، کارگران بیکار شده کارخانه که از سال ۹۵ اخراج و مطالباتشان هم پرداخت نشده است و از منازل سازمانی نیز بیرون رانده شده اند، برای چندمین بار دست به تجمع مقابل استانداری زدند. در آن سال با واگذاری کارخانه قندیاسوج به بخش خصوصی بعد از ۱۷ روز کلیه کارگران اخراج شدند. مقامات استانی و برخی مدیران شرکت پشت این اختلاسها قرار داشتند.

- روز ۶ خرداد کارگران شهرداری شاهین شهر برای چندمین روز متوالی در اعتراض به قراردادهای برده وار کار و پیمانی و نداشتن ایمنی شغلی و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به اعتراضشان ادامه دادند. اعتصاب این کارگران از روز ۳۱ اردیبهشت آغاز شده است.

- روز ۷ خرداد کارکنان شرکت آریا روش جفیر اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ تا ۵ ماه دستمزد خود دست از کار کشیدند. این کارگران همچنین خواستار تامین امکانات پیشگیری از بیماری کرونا برای کلیه کارکنان این شرکت شدند. به گفته آنها تاکنون

- روز ۷ خرداد کارگران پلی اکریل و دی ام تی در اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود به طور جداگانه در محل کار شان دست به تجمع زدند. این کارگران از سال ۹۵ و ۹۶ مطالبات مزدی خود را بطور کامل دریافت نکرده اند و بابت دستمزدهای امسال خود نیز طلبکارند. دو کارخانه پلی اکریل و دی ام تی زیرمجموعه شرکت پلی اکریل اصفهان هستند.

- روز ۷ خرداد کارگران شهرداری باسمنج آذربایجان شرقی مقابل شهرداری در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود دست به تجمع زدند.

- روز ۷ خرداد کارگران راه آهن ناحیه شمال غرب بعد از اعتراضاتی که داشتند موفق به دریافت مزد فروردین ماه خود شدند. کارگران تمامی طلبهای خود را میخواهند.

- روز ۷ خرداد کارکنان شرکت آریا روش جفیر اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ تا ۵ ماه دستمزد خود دست از کار کشیدند. این کارگران همچنین خواستار تامین امکانات پیشگیری از بیماری کرونا برای کلیه کارکنان این شرکت شدند. به گفته آنها تاکنون



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wpiran.org

اعتراضات کارگری علیه نپرداختن دستمزدها...

بیشتر دامن زده است. - روز ۵ خرداد کانال تلگرام «عصرجنوب» از اخراج ۳۵ نیروی اورژانس در دزفول پس از اعتراض به حقوق معوقه خود خبر داده است. این افراد در شب پنجم خرداد اخراج شده اند. بنا بر خبرها سه هفته پیش نیز سایت «سلامت نیوز» خبر داده

بود که ۳۰ نفر از پرسنل کادر درمان بیمارستان پیوند اعضای ابوعلی سینای شیراز اخراج شده‌اند. این افراد کارشناسان اتاق عمل و بیهوشی بوده‌اند که به کاهش ۵۰ درصدی حقوق خود در سال جدید معترض بودند. این موضوع به فضایی از

اعتراض در میان کار درمانی در این بخش‌ها دامن زده است. در ماههای اخیر پرستاران و دیگر بخش‌های کادر درمانی در اعتراض به سطح نازل حقوقها، فشار بالای کار و کمبود پرستار، استخدامهای پیمانی و موقت، اخراجها و بیکارسازیها و استاندارد پایین بیمارستانها و مراکز درمانی در شهرهای مختلف دست به

زیستی برای آنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نداشتن وسیله ایاب و ذهاب، عدم افزایش مزد روزهای تعطیل کاری و جمعه کاری و عدم تامین لباس و وسایل پیشگیری از بیماری کرونا، دست از کار کشدند.

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
حزب کمونیست
کارگری ایران
۸ خرداد ۱۳۹۹
۲۸ مه ۲۰۲۰

از صفحه ۷

قطعه نامه درباره بحران کرونا...

رفاهی امروز را ندارند تامین کند. ۱۰- عمل مستقیم مردم در مقابله با کرونا و تشکیل نهادهای کمیته های مردمی خودیاری در بسیاری از شهرها نمونه ای از دخالتگیری توده مردم در اداره امور خود است. این تجربه در ادامه کمیته های کنترل محلات و طرح گفتمان اداره شورائی بوسیله کارگران هفت تپه، چالش عملی سلطه حکومت بر جامعه و یک گام مهم به پیش در جنبش سرنگونی طلبانه است.

متوسل میشود در برابر جامعه ای که برای بقای زندگی، برای بر خورداری از یک زندگی انسانی و بری از مذهب و فقر و تبعیض و بیحقوقی مبارزه میکند. ۱۲- بحران کرونا بحرانهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی وسیعی را در سراسر جهان بدنال خواهد داشت. در جمهوری اسلامی که خود از مدتها قبل با یک بحران مزمن اقتصادی و سیاسی مواجه بوده است عواقب بحران کرونا بسیار شدیدتر و گسترده تر خواهد بود.

کرونا آنها را در موقعیت ضعیف و تدافعی قرار داده است. بدنال بحران کرونا ناتوانی و سترونی و انحطاط نظام سرمایه داری بیش از همیشه در برابر چشمان مردم دنیا قرار خواهد گرفت و دور تازه ای از خیزشها و جنبش های اعتراضی آغاز خواهد شد. مشخصا دوره پس از کرونا در ایران دوره تحولات زیر و رو کننده، دوره رسوائی و درماندگی و فروپاشی اقتصادی بیش از پیش جمهوری اسلامی، دوره به هم ریختن بیش از پیش صفوف حکومت، و دوره اوجگیری مجدد جنبش سرنگونی علیه جانیان حاکم خواهد بود.

این شرایط زمینه بسیار مساعدی برای گسترش و تعمیق مبارزات توده ای در عرصه های مختلف فراهم میکند. دوره ای از تلاطمها و تحولات زیر و رو کننده در پیش است. بر متن بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عمیق و مزمن رژیم جمهوری اسلامی جنبش توده ای علیه کلیت نظام موجود میتواند متحدتر و قویتر از گذشته

دوباره اوج بگیرد. پیشروی و پیروزی این جنبش در گرو عروج حزب کمونیست کارگری بعنوان حزب متحد کننده بخشهای مختلف جامعه در مبارزه علیه حکومت و بعنوان صدا و نماینده اعتراض و نه توده مردم به جمهوری اسلامی و کلیت نظام موجود است. حزب کماکان تمام توان و امکانات خود را بکار می گیرد تا با دخالتگری فعال در عرصه های مختلف اعتراض و مبارزه، و با تعمیق نقد و اعتراض و نه مردم به

جمهوری اسلامی بعنوان وحشی ترین و فاسد ترین ضد انسانی ترین حکومت سرمایه داری عصر حاضر، صفوف مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی را هر چه متحدتر و متشکل تر کند و جنبش سرنگونی طلبانه را به پیروزی برساند.

ما کارگران و فعالین جنبش سرنگونی طلبانه و جنبشهای اعتراضی جاری را به صفوف حزب فرامیخوانیم.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com